



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روزترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- (۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- (۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- (۳) معرفی روش های مقاله و پایان نامه نویسی و ارائه پکیج های آموزشی مربوطه
- (۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- (۵) معرفی آموزشگاه ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- (۶) ارائه جزوات و منابع رایگان مرتبط با رشته های تحصیلی
- (۷) راهنمای آزمون های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۸) راهنمای آزمون های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۹) راهنمای آزمون های کارشناسان رسمی دادگستری به همراه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۱۰) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری های پربازدید
- (۱۱) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه های دارای تخفیف دانشجویی
- (۱۲) معرفی همایش ها، کنفرانس ها و نمایشگاه های ویژه دانشجویی
- (۱۳) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت های معتبر مربوطه
- (۱۴) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سربازی، معافیت تحصیلی و امریه
- (۱۵) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- (۱۶) معرفی انواع بیمه های دانشجویی دارای تخفیف
- (۱۷) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- (۱۸) صفحه ویژه ارائه شغل های پاره وقت، اخبار استخدامی
- (۱۹) معرفی خوابگاه های دانشجویی معتبر
- (۲۰) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن های تخصصی و...
- (۲۱) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- (۲۲) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- (۲۳) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت های مطرح
- (۲۴)



موارد مخدر از آنجایی که مجازات آن جزای نقدی تا آنکه مجازات
آن اعدام است هم در صلاحیت دارگاہ انقلاب است
نظام و سیستم تقویر قاضی به دارگاہ های انقلاب هم تسری
راہ شد.

دارگاہ های کیفری ۱ و دارگاہ نظامی کیفری ۱ و ~~در نظام~~
دارگاہ های انقلاب در پرونده های مشابه دارگاہ کیفری ۱ و نظامی
با تعدد قاضی رسیدگی می شود

دارگاہ انقلاب هم با توجه به نوع جرایم هم مثل دارگاہ کیفری اول
و هم مثل دارگاہ نظامی ۱ و ۲ رفتار خواهد نمود
و دارگاہ انقلاب در جرایم مهم با تعدد قاضی ۳ سه قاضی به
پرونده ها رسیدگی خواهد کرد

اما وقتی می خواهد به جرایم جزئی مثل استعمال مواد مخدر یا نگهداری
مواد مخدر جزئی رسیدگی کند طبیعتاً است که بابت قاضی رسیدگی
می کند این موارد در ماده ۲۹۷ ق. ا. د. ک جدید آمده
در ماده ۴ قانون تشکیل دارگاہ های عمومی و انقلاب پیش بینی کرده
بود به کلیه اماجات مقامات مثل نمایندگان مجلس قضات
در دارگاہ کیفری استان تهران رسیدگی می شود به استثنای
مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است
ما در جرایم مقامات نباید حیثیت آنها را پایین ببریم و در شهر خورگان گدوم

کنیم

قانون مبارزه با مواد مخدر ۷۶
قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر سال ۸۹ اصلاح مواد روان گردان

هم به این لیست اضافه شد

هر جرمی که عضو قانونی آن قانون اصلاح مبارزه با مواد
مخورد باشد در صلاحیت دارگاه های انقلاب است
استعمال فعل نقل و خریداری هم این جرایم در صلاحیت دارگاه های
انقلاب است

اما در مورد قاچاق اسلحه و مهمات که دارندگان اسلحه غیر مجاز شوتر
که در این قانون پیش بینی شده و قاچاق آنها که قاچاق اسلحه و
مهمات در صلاحیت دارگاه انقلاب و نه حمل و نهداری اسلحه
در صلاحیت دارگاه های عمومی است

بند ۳ ماده ۳۰۳ ق. ا. ب. ۹۳

منظور از سایر مواد خاص که در صلاحیت دارگاه انقلاب است چیست؟
اولین قانونی که صلاحیت دارگاه انقلاب را بر رسمیت شناخته که این
قانون قانون مبارزه با قاچاق محالا و از آن است که این قانون مشور
۳، ۱۰، ۹۲ است و ۲۱، ۱۱ در روزنامه رسمی چاپ شد و در ۷ اسفند

۹۲ لازم الاجرا شده است

قانونی که در این قانون انواع مختلفی از قاچاق محالا پیش بینی بر احکام متفاوتی
در مورد آنها گفته

مصل سوم این قانون عنوان قاچاق کالا های یا رانه شروط از می باشد
مثل لوازم خانگی یا چه و غیره در ماده ۱۸ پیش بینی شده که مجازات
آن جزای نقدی از یکتا دو برابر کالا یا ۲ تا ۳ برابر قیمت کالا

قاجاق کالاهای ممنوع :

ماده ۲۲ این قانون مجازات کالاهای ممنوع را بیس نیی که راه که در ۲ بند آن جزای نقدی است که از ۲ تا ۳ برابر قیمت کالا و حبس برابر و کالای ممنوع چه که الهی است که در تبصره ۴ ماده ۲۴ که در این تبصره

مصادیقی از کالای ممنوع ذکر شده است
۱- مشروبات الکلی ۲- اموال تالیفی فرهنگی ۳- تجهیزات ماهواره

۴- آلات و وسائل قمار ۵- آثار سمعی و بصری مستهجن
که در معیار قانونگذار بیس نیی که راه و تمثیلی هستند و مورد ستم

که در ماده ۲۵ این قانون بیس نیی شده که سازمان محیط زیست متولی این است که این هم از مصادیق قاجاق کالای ممنوع محسوب

می شود مورد هفتم قاجاق حاوی بار و قاجاق کالاهای حاوی بار
که در ماده ۲۶ و مورد هشتم قاجاق دارو و مکمل های پزشکی و

آرانیسی و خوراکی که در ماده ۲۷ ذکر شده و
که قاجاق اینها احکام خاص خودش را دارد و در ماده ۲۲ همین قانون بیس

نیی شده
نوع سوم از قاجاق خوردنی متضمن دو قسم است قاجاق کالاهای است

مصادره اموال نامشروع در صلاحیت دادگاههای انتداب است
ارعای ارحمین دارگان انتداب در مورد مصدوم اموال صادر کرد

اعتراض به این رای هم در صلاحیت دادگاه صادر کننده حکم نه همان
دادگاه انتداب است می یابند

ماده ۲۱۵ ق. مجازات اسلامی و تبصره این ماده که بحث اعتراض به دستور
دادستان و باز پرس است و اگر کسی از قرار دادستان یا باز پرس متضرر

شده می تواند اعتراض خودش را نسبت به حکم صادر شده بود تجدیدنظر
خواهی در دادگاههای

صلاحیت دارگاه کیفری | ماده ۳۰۲ ق. ا. ب. ک ۹۳ (۴)

SOMMARIO

جرم تعزیری درجه ۴ ج جزئی است باید در مراکز رسیدگی به جرم در ماده ۱۹۹ ق. ا. ب. ک که مجازات درجه ۴ شامل سه مورد است

- ۱- حبس بیش از ۵ سال تا ۱۰ سال
- ۲- جزای نقدی بیش از هجده میلیون تومان تا ۳۶ میلیون تومان

تومان

۳- اگر مجازات قانونی یک جرم بیش از ۵ سال بود این جرم در صلاحیت دارگاه های کیفری است که با ۳ قاضی رسیدگی کنیم و تجویذ نظر آن را نیز به ریوان عالی کشور بفرستیم ~~که به ریوان عالی کشور بفرستیم~~ ~~که به ریوان عالی کشور بفرستیم~~ ~~که به ریوان عالی کشور بفرستیم~~

۳ فریب بند از ماده ۳۰۲ مربوط است به جرائم سیاسی و مطبوعاتی که از این نظر تفاوتی بین دارگاه کیفری استان و دارگاه کیفری ا

وجود ندارد ~~که کیفری است~~ که در شهرستانها هم می توانیم دارگاه کیفری ا

باشیم بر خلاف دارگاه کیفری استان جرائم سیاسی و مطبوعاتی طبق ماده ۳۰۵ ق. ا. ب. ک فقط در دارگاه کیفری مراکز استانها تشکیل می شود چهار بند اول ماده ۳۰۵ در شهرستانها

هم می توانیم آن رسیدگی کرد اما بنویسیم جرائم سیاسی و مطبوعاتی اینطور نیست که حتی باید در دارگاه کیفری استان شهرک

استان رسیدگی شود و دلیل آن اینست چون جرائم سیاسی و مطبوعاتی در مراکز استانها هستند و رسیدگی تخصصی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی

از تخصص کافی باید بهره ببریم پس در جرائم سیاسی و مطبوعاتی فقط باید در دارگاه کیفری مراکز استان رسیدگی شود

اگر روحانی مرتکب فعلی شود یا در کجاری رسیدگی کنیم
در اینجا ما معتقد هستیم که امداد بند ۳ ماده ۲۲ این نام ویریه
روحانیت ~~است~~ - روحانی فقط در دادگاه ویریه روحانیت می‌گردد پس
ولاغیر و نتیجه اینکه مهم نیست روحانی چه چیزی انجام داده
و در جرم دیگری که مجازات قصاص دارد یا مجازات دیر

در جرایم مقامات اگر روحانی بوزند قاضی یا نماینده مجلس روحانی بوزند
یا بعضی از مقامات همیشه روحانی اند مثل فقهای شورای نگهبان تکلیف
این موضوع در تبصره ۳ ماده ۳۳ این نام روحانیت می‌گردد
اینها در صلاحیت دادگاه ویریه روحانیت تهران است

بنابراین اگر ز روحانی فرماندار یا استاندار یا مابقی سمتهای مهم جرم او
در دادگاه ویریه روحانیت تهران رسیدگی می‌شود

دادگاه کیفری ۲ صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد مگر آنکه در صلاحیت
سایر مراجع کیفری باشد

دادگاه کیفری استان

تبصره ۲ ماده ۵۱۴

جرایم مربوط به موارد مخدر و پیش سازهای آن مثل مرار اولیه ای که برای
تعیین لازم است

تداخل

صلاحیت را درگاه کیفری ا در ق هادک جوید

دادگاه کیفری ا ه

صلاحیت را درگاه کیفری ا با کیفری استان از جهای متفاوت است

دادگاه کیفری استان فعلی در برخی از جرائم با قاضی رسیدگی می کند و در بعضی جرائم با قاضی

دادگاه کیفری ا در تمام موارد با قاضی تشکیل می شود (قانونگذار در ۳ قاضی اکتفا کرده در ماده ۲۹۶ ادک در بند ۱

اما صلاحیت را درگاه کیفری ا در ماده ۳۰۲ پیش بینی کرده

۵ در تمام جرائم در صلاحیت دادگاه کیفری ا است

جرائم زیر در دادگاه کیفری ا رسیدگی می شود

الف - جرائم موجب مجازات سلب حیات

ب - جرائم موجب حس اند

ح - جرائم مجازات قطع عضو جرائم علیه حقوق عامه است مجای

با میزان نشت در کامل یا بیش از آن

د - جرائم سیاسی و مطبوعاتی

جرائم موجب مجازات سلب حیات ← جرائم مجازات

قانونی آن ترک است

قانون تشکیل دادگاه کیفری اولی است جرائم موجب

هر جرمی که مجازات قانونی آن حبس ابد یا در صلاحیت را درگاه کیفری ا

۲۸ ۳۸۷ ۳۷۹۹۱۴۱

است

در ۱۵ و ۱۶ استان دارگاه ویژه روحانیت داریم که به جرایم تعزیری
از استانهای مجاورشان هم رسیدگی می کنند

حوزه قضایی سراسری که این مربوط به جرایم مقامات است
دارگاه کیفری استان تهران به هم جرایم تعزیری از مقامات رسیدگی می کنند مثل مالاندگان
مجلس و کور و حای بودند را دارگاههای ویژه روحانیت استان تهران رسیدگی

می کند
و رسیدگی جرایم مهم که در صلاحیت دارگاههای دارگاههای پایتخت است مثل
سواستار برای

تاعده صلاحیت شعبه به این معنا است که برخی از دارگاهها بواسطه موقعیت
سعی و یا موفقیت اجتهادی یا سنی مشهور است

دارگاههای عمومی صلاحیت رسیدگی به همه جرایم را دارند به جز جرایمی که خارج از
صلاحیت آنها قرار گرفته اند اما دارگاههای اختصاصی فقط مقابل آنها هستند
و دارگاههای اختصاصی باید به جرایم رسیدگی کنند که صریحاً در صلاحیت آنها قرار گرفته باشد

از تعریف دارگاههای عمومی و اختصاصی قاعده ای استخراج می کنیم که می توانیم اصل
بر صلاحیت دارگاههای عمومی است

اگر نظامی با همسایه اش دعوا کرد ربطی به وظیفه اش ندارد صلاحیت دارگاههای عمومی
اگر نظامی مربوط به وظیفه اش جزو انتظام دارد و باید معیار را در نظر بگیریم
و در صلاحیت دارگاههای نظامی قرار رسم

می آید که خارج از صلاحیت دارگاههای نظامی است در قانون اساسی اصل ۱۷۲
اما جلوم عمومی یا جرایمی که در عتق ضابطه دارگسری متعلق می شوند در حکم

عمومی رسیدگی شود

جرایم در مقام ضابطه‌آرایی؟

در ارتباط با جرایم در مقام ضابطه‌آرایی

اگر در مقام تعقیب ضابطین متهم را تسلیم نکرند و در مقام ضابطه‌آرایی

بود صلاحیت دارگام‌های عمومی است

جرایم در مقام ضابطه‌آرایی را در دارگام‌های عمومی رسیدگی می‌کنیم وقتی

مقام قضایی رستوری به ضابطین داده و ضابطین مرتب جرم شده

مقام قضایی بهتر می‌تواند به جرایم ضابطین خوگش رسیدگی کند و ارتباط طری

که بین تفکات و ادای عمومی و انقلاب و ضابطین وجود دارد

بهر رسیدگی سوز و ~~دلیل اینکه جرم ضابطین~~ و در مقام ضابطین

اسرار پرونده‌ها است بنابراین رسیدگی باید در صلاحیت دارگام‌های عمومی

باشد و قانون اساسی این نظریه را پذیرفته و جرم در مقام ضابطه‌آرایی

باید در کمی عمومی رسیدگی شود

جرم در مقام ضابطه‌آرایی یعنی چه؟

در مفهوم مضمون؛ جرم در مقام ضابطه‌آرایی است که ضابطین بعد از دستور مقام قضایی

و در راستای رسیدگی به دستور مقام قضایی اقدام می‌کنند و مقام قضایی دستور

تحقیق از متهم را داده است و تسلیم می‌کنند و در راستای آن دستور جرم اقدام می‌کنند

در مفهوم جمع؛ جرم زیارتی را اضافه می‌کنیم که از بند ۸ ماده ۴۱ قانون اساسی می‌دانیم که

بند ۱ آن مربوط به وظیفه ضابطین است از صیل مبارزه با موارد مخدر

مبارزه با قاچاق مکررات بازرسی و تحقیق و حقوقی از فرا متهم و ابلاغ

اوراق قضایی که این با آن تسلی است و می‌تواند موارد رسیدگی هم داشته باشد

که روده قضایی با این تعریف را نیز می‌تواند و دلیل آن هم اینست که ما مقررات

راباید بصورت تطفیفی بررسی کنیم
 نگار و ریاست بر و طایف ضابطین رادگیری بلادستان است
 ما اگر این مفهوم را ببینیم اگر جرم قویبده اتفاق می شود جرم در ضابط
 و پیگیری از وقوع جرم ضابطه یعنی است یا گشت دای انتظامی
 بافت پیگیری است یا در اینجا رادستان پیس آنها است خیرنا
 زمان رستگیری

اما مفهوم بنیادین : جرم در ضابط رادگیری جرمی است در ۲- تصرف دارد
 ۱- همان مفهوم مصنون دعوا زهدر رستور مقام قضای جرمی را انجام دهد
 ۲- و مفهوم دوم جوابی که ضابطین در صورت مواجهه با جرم مسود الر
 انجام می دهند در جرم مسود حق دارند باز راست نشد و کصیفات
 را انجام دهند که ما باید مقام قضای کشور را در باب یا مهم ما جرم مسود
 مواجه شدن و روش گرفته • جرم مربوط به ضمن نظامی باشد

سه راهگاه اقتصادی داریم

انقلاب

ویژه روحانیت

دارگاههای اقتصادی صلاحیت آنها کدورت است. دارگاههای اقتصادی ملی از دارگاههای اقتصادی ماستند و همچون دارکشورهای مختلف تاسیس دارگاه اقتصادی با تفاوت های پروپروسیسور.

در قانون آیین دادرسی کیفری جویند در ماده ۳۰۳ این قانون در بند بیست و نهم

۱- جرم علیه است داخلی و خارجی

افزای و تحقیق احوال به قصد تعالیه بانظاک

تمام جرایم مربوط به هزار مخدر و بیس سابقه ای آن و قاچاق سلاح و مهمات و در سال ۱۹ عواد پروانگوران هم به آن اضافه شود

بنابراین جرایم حواری مخدر و روانگران از هزار تومان به یک میلیارد

که منبع آن قانون مبارزه با مواد مخدر است در صلاحیت دارگاه

انقلاب است

در ارتباط با قاچاق اسلحه و مهمات در سال ۱۳۹۰ قانونی به همین نام داریم

که در این قانون بگ قاچاق اسلحه و مهمات و تجهیزات آن و اقدام

تحت کنترل مثل افسانه های کاری است و یا سوکر در آن قانون

بیست و نهم بنا بر این قاچاق اسلحه و مهمات در صلاحیت دارگاههای

انقلاب است و حمل و جواهری طبق رای و حریت پروپروسیسور

در صلاحیت دارگاههای عمومی است و سایر موارد که در صلاحیت

این دارگاه است

در موارد استثنائی و ارایشی و بهرمانی که در ماده ۲۷
بیس بی شده که از دلایلی منع مسترد که مجازات
این در ماده ۲۲ همین قانون بیس بی شده
نوع سوم از قاچاق که خوراک متضمن است قاچاق
سازمان یافته و حرفه ای است
قاچاق کالا در ماده ۲۸ و ۲۹ که علاوه بر جزای نقدی مجرم
بیس بی شده

قاچاق حرفه ای در ماده ۳۹ و قوه قانونی بود قاچاق سازمان
یافته و حرفه ای از این قانون در ماده یک در بند س - ورودی مجرم
و سازمان یافته با حداقل یک نفر و در بند سه همین ماده ۱
قاچاق حرفه ای بیان شده کسی که بیس از سه بار مرتب مجرم قاچاق
شود

صلاحیت رسیدگی به قاچاق کالا و ارز؛
مراجع صالح رسیدگی به قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه ای و قاچاق
کالا و ارز مستلزم مجرم حرفه ای در صلاحیت دادگاه انقلاب است
سایر پرونده های قاچاق از تصرف محسوب و رسیدگی به آن در

صلاحیت سازمان تقویرات صورتی است

۱- مواردی که در صلاحیت دادگاه انقلاب است

۱- قاچاق ارز کالا سازمان یافته ۲۸ و ۲۹ این قانون

۲- قاچاق حرفه ای ماده ۳۲ این قانون

۳- قاچاق کالاهای ممنوع ماده ۲۲ این قانون

۴- قاچاق کالا و ارز مستلزم مجرم و انفعال خرمات دولتی

ما طبق قوانین خاص را درگاه استناد صلاحیت رسیدگی به تعهدی
از جرایم را دارد و اینها چون قوانین خاص هستند و قوانین عامه
نمی توانستند خاص قبلی باشد و نسخ نشده اند اما این که این قوانین
هم هستند به پاسی به مجموع قوانین برای مراجع کنیم و ببینیم چه
جرایمی در صلاحیت دادگاهها با انقلاب هستند

۱- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است از ۷/۱۲/۹۲ لازم الاجرا
شد و احکام جدیدی که در جمع به قاچاق کالا و ارز دارد و این قانون در حال
اجرائی است

و کفایتی که در آن وجود دارد که قانون دلفزار انواع مختلفی از قاچاق کالا است
گروه و احکام متفاوتی در مورد آنها بیان شده
حاصل شود این قانون که عنوان آن قاچاق کالاهای یارانه ای و ارز مسروبه

است
فصل چهارم قاچاق کالاهای ممنوع که ماده ۲۲ مجازات آن را در ۲ بند
پیش بینی کرده که در ۲ بند آن تعدی است از ۲ تا ۳ برابر تا ۵ برابر
در ۲ بند دیگر آن علاوه بر جزای نقدی حبس هم پیش بینی کرده ام
در مورد این که کالاهای ممنوع هم کارایی است که باید به تبصره ۴ ماده ۲۲
مراجع کنیم که مصارفی از کالای ممنوع را در می کند

۱- مشروبات الکلی ۲- تجهیزات دریافت ماهواره غیر
مجاز ۳- آمار سمی و لیزری مبتذل و مستخرجی که از
مصارف کالاهای ممنوع است یعنی اینها تمسلی اثر حضری
نیستند و مورد گیرماران است این قانون قاچاق حیوانات
وحشی و مورر هفتم بخت قاچاق ماهیان خاویاری است که در
در باره آن اشاره شده و مورر هشتم قاچاق دارو و تجهیزات پزشکی

در صلاحیت ذاتی صلاحیت عطف به ما سبق می‌شود

قوانین مربوط به صلاحیت آویرگی دارند اعطف به ما سبق شدن

۲- امره بوزان قوانین مربوط به صلاحیت

قوانین امری و تکمیلی درامند قوانین از یک نوازه امری و تکمیلی

تسبیم می‌شود و اگر خلاف آن توافق شود توافق باطل است

اما قانون تکمیلی را می‌توان خلاف آن توافق کرد و توافق صمیم است

مثلاً در حقوق خانواده می‌خواهیم که در روابط خانوادگی ریاست بر

عهره مرد است اما درجهت تعیین محل سکونت زن یک قانون

تکمیلی است که می‌توان حق انتخاب مسکن را بزرگ دار یا منزل زن

عناز محل سکونت شوهرش باشد

ابتدا در ا.د.م هم گذشتیم و هم در شرایط نوکی مقرراتی داریم در مقررات

ا.د.م خلاف آن توافق کرد و با این توافق صلاحیت را در آنها را هم

می‌زنیم که ۲ قانون گذشته اعتبارند

۱- ماده ۸۰۵ درگاه‌های حقوقی یک و ۲ صلاحیت درگاه‌های حقوقی

۲- رایس بنی کراه بور بیس از ۲- قرمان حق رسیدگی نسبتاً اما اگر

۱- ماده ۸۰۵ بیس بنی کراه بور طرفین تراضی کنند درگاه حقوقی آهضکی

را می‌تواند رسیدگی کند با توافق آنها در درگاه حقوقی توسط می‌شد

دیگر در دعوی درگاه مدنی خاص نیز همین وضعیت بود که در دعوی مثل حجر

نفاذ سب و حجر و قیوت را رسیدگی می‌کرد در ماه ۳ بند ۴ سال ۵۱

که با توافق طرفین سایر دعاوی حقوقی را نیز می‌تواند در این درگاه مطرح

کرد اما در جاهای در قانون حق انتخاب داریم قانون در ا.د.م می‌بود

صلاحیت دعوی را می‌توان در محل اجرای قرارداد را بخواهیم اقامت کرد

یا در دعوی خانوادگی زن می توان در محل اقامت خود
نیز دعوی را مطرح کند لازم نیست جرور به محل اقامت شوهر

اما وضعیت در پرونده های کیفری به چه صورت می باشد -

در ارتباط با کمی کیفری می تویم صلاحیت مبنی بر نظم عمومی است
و پرونده های کیفری را جز در موارد خاص و منصوص نمی توان به محل دیگری

فرستاد و همین اختیاری را قانونا نداریم

نتایج امر بودن قوانین مربوط به صلاحیت

معمولا چند مورد را به عنوان نتایج امره بودن قوانین مربوط به صلاحیت در می کنیم

امر جمع صالح برای رسیدگی به دعوی کیفری را قانون مشخص می کند. اراده افراد و

مقامات تأثیری در تغییر صلاحیت یا ایجاد صلاحیت ندارد

اصل ۳۶ ق. اساسی: حکم و مجازات آن تنها باید در راه صالح تعیین شود
را اصل قانونی بودن دادرسی

وقتی می تویم مقامات نمی توانند اثر تغییر دهند بی آن مقامات مقام محکم

رسوبی است -

یا جرایم کارکنان وزارت اطلاعات و جرایم حسین خدمت یا جرایم امنیتی

دارگاه عمومی جزای ۱ (کیفری ۲)
دارگاه عمومی جزای ۱
دارگاه های اطفال

علت پیش بینی دارگامهای نظامی در قانون اساسی:

محدود کردن صلاحیت این دارگامها و استعدال بیشتر دارگامهای نظامی

نه به خاطر اهمیت آنها

۱- ما نقل از انقلاب هم دارگامهای نظامی را تنظیم کرده و امید به ارتش بود و وابسته

به قوه قضائیه نبود و صلاحیت آن هم گسترده بود و برخی از مواردی که در صلاحیت دارگامهای انقلاب هم بود در آنجا رسیدگی می شد

در قانون اساسی بعد از انقلاب دادگامهای در اصل ۱۷۲ پیش بینی شده و علت پیش بینی دارگامهای نظامی در قانون اساسی به خاطر اهمیت محدود کردن این دارگامها است که دست این دارگامها باز نباشد و از سیطره نیروهای

مسلم خارج کنیم که در اصل ۱۷۲ ق اساسی پیش بینی شدند در اصل ۱۷۲

مرکز توجه قرار گرفت چون از یک طرف صلاحیت آنها محدود شده بود و طرف خاص نظامی نه هر چیزی پس صلاحیت آنها صرف رسیدگی به جرایم خاص

نظامی و انتظامی است و در انتهای اصل ۱۷۲ گفته بایز از نیروهای مسلح جدا شده و به قوه قضائیه ملحق شوند

اما ~~علم~~ علم تشکیل دارگامهای نظامی چیست؟

۱- بحث بر خور تخصصی است یعنی کار در دارگامهای نظامی

خوب نیاز به تخصص فنی را امور نظامی دارد لازم رسیدگی به جرایم خاص نظامی و انتظامی اینست که تخصص خاص رسیدگی به این

جرایم را داشته باشیم

۲- قدرت در برخورد با نسبت به دارگامهای عمومی

۳- سرعت رسیدگی

اهم‌ترین فلسفه تشکیل ارگان‌های نظامی و انتظامی
حفظ امرار است معمولاً در همه کشورها نیروهای مسلح جاگاه
عزیزه‌ای را در چون ارتش و دار با امنیت کشور
دارند محیطی ترس را درگاه نظامی بهترین توانم امرار نظامی حفظ
کنیم امکان اعطای امرار نظامی نیست بنابراین با این رویکردهای که
عرفن کردیم در ارگان نظامی را ایجاب کردیم و برای رسیدن به اعطای خاص نظامی
و انتظامی و انجام مهمی آنها یا جرایمی که در عفاً فدا بگذارد ادلتی مرتب شوند
در همه کم مهمی را رسیدنی شوند

بعبارت پیروزی انقلاب ما گرد ارگان‌های زمان ساه را انداختیم
وقتی در سال ۱۳۷۳ قانون تشکیل ارگان‌های عمومی و انقلاب تأسیس
و ادراها را تا سال ۱۳۸۱ خوف کرد تا آن‌ها نبردند ادرا
نظامی را نیز خوف کنند اما وجود اصل ۱۷۲ مانع آن شد و ادرا
فعلی به فعالیت خود را در سیستم نظامی میسر
دارس را دستگیر

و در سال ۱ قانون نیروهای مسلح تدار اصل ۱۷۲ ق اساسی است
با تفاوت خاص

تفاوت اول این است در اصل ۱۷۲ ق اساسی ۴ مورد نیروهای مسلح ذکر شده
بر اساس بیان سرانجامی و شریانی اما در اصل ۱۷۲ ق نیروهای مسلح
علاوه بر این در اصل ۱۷۲ ق اساسی ۴ مورد دیگر نیز به آن اضافه شده که عبارتند از
انقلاب و پلیس قضایی البته در انتهای دیر قید شده نیروهای مسلح قانونی است
علیرضا باقری ۰۹۳۹۶۹۴۱۳۷۷
www.voice-law.ir

کمیته‌های انقواب هم در سال ۶۹ با رأی و امری و انقواب
ادغام شدند و نیروی انتظامی فعلی را تأسیس کردند

صلاحیت دادگاههای نظامی

جرایم هم‌افزایی در دادگاههای نظامی برپرسی می‌شود ؟ اقرار نظامی

و چه جرایمی در دادگاههای نظامی برپرسی می‌شود ؟ جرایم خاص نظامی و انتظامی
صلاحیت بر اساس نوع مرتکب :

معارف نیروهای مسلح (ماده ۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

در ماده ۱۴۱ مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ الف

شده دادگاههای نظامی به جرایم ^{خاص} مربوط به اقرار نظامی و انتظامی زیر برپرسی می‌کنند
در اینجا ۵ سازمان نیروهای مسلح را ذکر کرده که کارکنان آن نظامی محسوب می‌شوند

۵ سازمان نیروهای مسلح

۱- کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح

۲- کارکنان سپاه و سازمانهای وابسته

۳- اعضای بسیج

۴- کارکنان مسئول قانون نیروهای انتظامی

کارکنان و طبقه از شروع تا پایان خدمت

محصولان خاص نظامی و انتظامی در داخل و خارج کشور

و کسانی که از اعضای نیروهای مسلح محسوب می‌شوند

تأدیه نیروهای مسلح که وظایف راهبردی نیروهای مسلح بر عهده این

سازمان است رئیس آن هم محترم معظم رهبری انتخاب می‌کنند

علیرضا باقری

که فرماندهان ارتش و سپاه توسط رهبری انتصاب می‌شود
در هر بسیج بسیج خردکی از نیروهای سپاه محسوب می‌شود
که انواع مختلف بسیج داریم (بسیج سازمان
نظامی و پادار افتخاری)

و وقتی به جرایم بسیجی ما در این دادگاه رسیدگی می‌کنیم که از زمان فعالیت‌های نظامی
یا مأموریت ملی خاص باسند

کارکنان وزارت دفاع که رئیس آن را رئیس ممبر بیسینا (می‌کنند و از مجلس
رای اعتماد می‌گیرد و کارکنان وزارت دفاع از این جهت نقض بیست‌سای
نیروهای مسلح را دارند و کارکنان آن نیز نظامی محسوب می‌شود

نیروهای انتظامی که فرماندهان آن از طرف رهبری انتصاب می‌شود
کارکنان وظیفه در برابر کم از زمان شروع خدمت نظامی است البته نسبت
قبل از خدمت در صلاحیت دادگاه عمومی است چون هنوز نظامی
ندهند

حاصلان: کسانی که در دانشگاه‌های نیروهای مسلح مشغول آموزش هستند
و کسانی که بطور موقت در استخدام نیروهای مسلح هستند به آنها نیز نظامی
محسوب می‌شوند و نیروهای سیاسی که خدمت ۱۰ ساله انجام می‌دهند
و نیروهای ضروری خدمت در ماده ۳۷ آنها به حساب می‌آید

استخراج می‌شود و مستند این نام‌های مصرع است در سال ۶۹
که ۲ سال هم قابل نگهداری است که خرید خدمت ۲ سال هم قابل
مبدل است که در نهایت بیس از ۱۰ سال نخواهد بود

وزارت دفاع بیستربا و نفعیت کارمندی سرکار داریم این
۲ تبصره هم دارد که در تبصره ۱ جرایم خاص نظامی اعضاء زیر

سازمانهای گنبر خدمت می کنند در صلاحیت رادگاههای نظامی
مدا افراری از محبوم های نیروهای مسلح در جاهای دیگر غیر
نمانداری ها و غیره

تبصره ۲ این باره می گوید رهای از خدمت مانع به رسیدن به جرایم
استغالهن شور و تبصره ۲ بیاندر این است ملامت صلاحیت
رادگاههای نظامی زمان وقوع جرم است و نفا می بودن در زمان
وقوع جرم ملامت است و به جرم زمان خدمت در رادگاه نظامی باید
رسیدن شور

صلاحیت رادگاههای نظامی بر اساس نوع جرم است
و بلبر بدانیم جرایم خاص نظامی و انتظامی چیست
این تعریف در تبصره ۱ قانون نیروهای مسلح زیر سرده
جرایم خاص نظامی و انتظامی بزه های است که افرار نیروهای
مسلح در رابطه با وظایف نظامی و انتظامی و اعضاء
نیروهای مسلح در ارتباط با مسئولیت های انتظامی میسان است
و جرم خاص نظامی و انتظامی جرمی است که با وظایف و انتظامی
نظامی در ارتباط است با توجه به نقصی که از نظر تعریف داریم باید
ببینیم که جرم خاص نظامی و انتظامی واقعاً چیست
در این زمینه ما می توانیم سه عضو را در نظر بگیریم
علیرضا باقری

۱- مفهوم مصنوع: مصنوع یعنی جسم خاص نظامی و انتظامی
در مفهوم مصنوع نیست که صرف از ظرف اقرار نظامی قابل
ارتکاب است و مرتکب آن فقط باید نظامی باشد مثل فرار از
خدمت لغو دستور و ترک بست نلمبانی و چنین جرم رسیر که به
این جرایم جرم خاص نظامی یا مطلق نظامی می گویند و کسی که مرتکب آن است
اینها جرم خاص نظامی و انتظامی هستند اما رایج به بیستتر آن و تعین مصدق
ها بیستتر آن افدا می است .

مفهوم برسع: در مفهوم برسع لغتی می شود هر جرمی که در اعلان نظامی واقع
می شود جرم خاص نظامی و انتظامی است مثلا در بارگانهها در بارگانهها
ممکن است ۲ نوع جرم واقع شود اما جرایم رسته اول که در آن تردد
نداریم اما ممکن است جرایم با ما سیت عمومی نیز انجام شود بنا بر این
اگر یک سر بازی از سر بازی سرقت کرد مهم اما جرم خاص نظامی و
انتظامی کسب می آید پس ملاک اینست که جرم در اعلان نظامی
واقع شده یا غیر البته این مفهوم طرفدارانی نداریم .

نظریه نسبی: در مفهوم بیجا پس جرم مربوط به وظایف خاص نظامی و
انتظامی شکل ۲ رسته است ۱- جرایم خاص نظامی و دوم جرایم
عمومی که مرتبط با وظایف یک شخص نظامی هستند در این مفهوم
هر جرم عمومی که در بارگانه واقع می شود در این جرم نظامی است
اما این جرم عمومی با وظیفه یک شخص نظامی در ارتباط بود و دلیل آن
ارتباط ارتباط جرم و وظایف نظامی این جرم عمومی را جرم خاص نظامی و انتظامی تلقی

صرف کنیم سر بازاری در زمان نهبانی اموال یک ابزار سرعت
می کند و مرتبط است با وظیفه یک نهبان
مکان وقوع جرم نفسی در صلاحیت ندارد مهم اهراز ارتباط بین جرم و
ساختن نظامی است ~~این مورد در مورد قضای هم بر همین~~

اساس است

تاجاق کالا و از سازمان یافته و تاجاق کالا بصورت صفای و قایق
کالاهای ممنوع تاجاق کالا و از مستنرم حبس و انفصال رولی در این چهار
حالت رسیدگی در صلاحیت دارگامای انفلاب است و سایر
پرونده های کالا و از تلفت کسوب و در صلاحیت سازمان
تغزیرات خصوصی است ~~و در مورد سایر موارد~~

~~موضوعی در مورد...~~

در ارتباط با تاجاق مسروبات الی ماده ۷۰۳ و ۷۰۳ ق.م.اسلامی
اصلاح کرد سامنی خرید و فروش عمل زندهاری مسروبات الی
حبس و جزای نقدی است
اما در ۷۰۳ بحث تاجاق پس بی سوده و مگر رکنین صرف نظر
از میزان آن از دیمه تالک سال و تا به ابلو انجمن عربی آن
معلوم می شود در پایان این جرم می لغت رسیدگی به آن در صلاحیت

محاکم عمومی است

دقا نون جرید در تبصره ۴ ماده ۲۲ مبی از کالاهای ممنوع بود
حجرات در ماده ۲۲ سنت به ماده ۷۰۳ ق.م.اسلامی ۷۵ تصنیف
می آورد و مسروبات الی راد قانون جویر مورد حکم قرار داده و
ماده ۷۰۳ ق.م.اسلامی ریشخ سوده و الا ان صلاحیت دارگامه انفلاب است
علیرضا لاقری ۱۳۷۷ ۰۹۳۹۶۹۴

صلاحیت دارگان کیفری تک

دارگان کیفری اِ دارگامی است کہ بہ جرائم مهم و با مجازات

سزید رسیدگی می کند . اما صلاحیت دارگان کیفری اِ با کیفری استان

(رجائی) متفاوت است .

و پیونگی تشکیل این دارگانها

و دارگان کیفری استان بہ موجب قانون اصلاح دارگام و دارگانها سال

۸۱ بہ بر فی جرائم با ۵ قاضی و بہ بر فی دیگر با ۳ قاضی رسیدگی می کند

و دارگان کیفری اِ در مهم جرائم با ۳ قاضی رسیدگی می کند کہ در ماده ۲۹۶

ذکر شد

صلاحیت دارگان کیفری اِ و تغییراتی هم کہ نسبت بہ دارگان کیفری استان

هم دارد خواہیم گفت

کہ صلاحیت آن در ماده ۳۰۲ پیس بی بندہ و ۵ استجرم در صلاحیت

دارگان کیفری اِ است :

۱- جرائم موجب مجازات سلب حیات - قصاص نفس - زعم - اعدام

۲- جرائم موجب مجازات حسن ابد

۳- جرائم علیہ تمکیت حیوانی یا منیران تلف ریکہ مامل و بیس از آن

جرائم سیاسی و مطبوعاتی

۴- جرائم موجب مجازات ان قطع عضو - سرقہ حی مرتبہ اول و دوم

جنایت بر عضو هو اسب کہ متراز قتل کہ قطع عضو مجازات ان قصاص است

۵- جرائم تغزیری تازج ۴ اگر مجازات قانونی جرم بیس از ۱۰ سال بود

این جرم در صلاحیت دارگان کیفری اِ است

عیرضیاد قری ۱۳۷۷ ۰۹۳۹۶۹۴ www.voice law.ir

قتل عمده که مجازات آن قصاص نفس است و صلاحیت
 مرگبری به آن با دارگاه کیفری استان فعلی و کیفری آئینده است
 حتی قتل عمده مستوجب قصاص یا غیر مستوجب قصاص حتی مجازاً
 قانوناً آن سلب حیات نباشد یا در دادگاه اعمام دزدست می شود یا
 از حق قصاص دزدست کرد و مجازات قصاص نیست و سلب حیات
 نیست ~~قتل عمده~~ بلکه قانونگذار اشاره می کند به قصاص نفس یا
 سلب حیات ناظر به مورد اغلب است تشخیص عمده یوان
 قتل از وظایف دارگاه کیفری است. دزدست یا موافق قصاص
 تأثیری در صلاحیت دارگاه ندارد مهم تشخیص عمده یا غیر عمده یوان
 قتل است.

هرگاه موجب حبس ابد هر جرمی که مجازات قانونی آن حبس ابد باشد
 در صلاحیت دارگاه کیفری است و این بند با قانون فعلی جرمی
 ندارد و چه جرمی مجازات قانونی آن ~~حبس ابد~~ است
 همسک در حق کسی که دگر را می گیرد یا دگر را او را بگذرد
 رضایات علیه تمامیت مجای که مجازات آن تلف و به کامل
 یا بیشتر است
 بند در ماده ۷۰۹ تلف و به کامل را در ماده ۷۱۱ جانی تلف و به کامل یا تلف
 و به کامل در و در عمده واقع شده باشد در صلاحیت دارگاه کیفری
 قرار می گیرد.

اگر کسی دست کسی را قطع کند طبعی است که ضایع

عمدی است .

خدمت تعزیری دارد ۴ به بالا مجازات حبس نیست از ۵ سال
که این جرم را با سه قاضی رسیدگی کنیم و تعزیرات را نه روان عالی

کسور نفرستیم

جرام کیاسی و عقیر عالی که از این نظر تفاوتی بین کیفری استان و یک

وجود ندارد

و کیفری ۱ در مرکز استان تشکیل می شود اما در شهرستانها هم
بی توانیم دارگاه کیفری ۱ را تشکیل بدهیم و در شهرستانها هم دارگاه

کیفری ۱ خواهیم داشت اما در اینجانب نکته

افعال در نظام اقتصاد کیسور در دارگاه انقداب

کیفری ۲ که صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد (صلاحیت تمام این دارگاه بیان شده است)
اولین رای وحدت رویه رای ۷۰۹ / ۱۱۱ / ۸۷ است در رای وحدت رویه ۷۰۹ / ۱۱۱ / ۸۷

اگر شخصی جرم مهم و غیر مهم را مرتکب شده بود تکلیف چیست ؟
مثلا کسی مرتکب قتل و سرقت شده بود تکلیف چیست ؟

آیا دارگاه کیفری استان باید به جرائم لوحتی هم رسیدگی کند

رای وحدت رویه ۷۰۹ / ۱۱۱ / ۸۷ می گوید باید دارگاه کیفری ۱ یا استان فعلی باید به هر دو

رسیدگی کند و استناد آن ماده ۴۴ و ۱۸۳ آ. ا. ب. ک ۱۷۸ می باشد

آیا موضوع با قانون آ. ا. ب. ک جدید نیز کاملاً هم شده این موضوع

داریار در تمامی جرائم می تواند تحقیقات مقدماتی ای کم در مورد
خبرواری که در صلاحیت دارگاه کیفری استان است .

اگر دارگاه کیفری ۱ مهیند جرم در صلاحیت دارگاه انقلاب یا نظامی است
تکلیف چیست ؟ در مقام هر با در اینطور یا نسخ (همین صلاحیت کیفری
یک و دو در طول هم است (صلاحیت شنی) صلاحیت کیفری ای با
انقلاب و غیره صلاحیت رای است هر چه چه مهیند باید بر قرار عدم
صلاحیت صادر کند و اگر قرار شد بر قرار عدم صلاحیت صادر کند باید در جلب
مقدماتی باشد و اگر در جلب مقدماتی قبول کرد که در صلاحیت او است
دیگر نباید بگوید در صلاحیت من نیست .

رای وحدت رویه ۷۱۰ در مورد قرارهای قابل اعتراض با زیرین است مطلق
قرار منع و موقوفی تعقیب

در قانون تفسیر رایگانهای انقلاب در ماده ۳۰ بحسب رسیدگی به اعتراض
های رایگان را از آرا گاه عمومی دانسته
رای وحدت رویه ۷۱۰ ۷۸، ۱، ۱۷ امده و دارگاه عمومی و انقلاب در این ضمن
مطلع دانسته

در ماده ۲۷۱ ق. ا. د. در موضوع را مطرح کرده که در ۵ مرجع حل افتداف بین دارستان
و باز پرس و رسیدگی به اعتراض شکلی یا مستقیم است به قرارهای قابل اعتراض
با دارگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن آنها را دارد .
اگر باز پرس و دارستان افتداف کرده اند اگر جرم محاربه بود رفع افتداف بین
باز پرس و دارستان در صلاحیت دارگاه انقلاب بود

با آن تفاوت در مورد قتل عمدی بود و چون قتل عمدی
در صلاحیت دادگاه کیفری است رسیدگی به اعتراضات
در مورد قرار منع تعقیب با دادگاه کیفری یک است و چون سال
رسیدگی به قتل عمدی است و پیشتر همی است در قانون جودید و اگر در صورت
دادگاهها دادگاه کیفری ۱ یا انقضای نداشتیم دادگاه کیفری ۱
می تواند رسیدگی کند و از باب اعلامی است

اگر یک نظامی هم در ۱۸ سال است و حکم جرم نظامی مثل فرار از رزمایشها را
داشت چه دادگاهی رسیدگی می کند نظامی یا اطفال؟
~~و چون به صلاحیت دادگاههای عمومی یا انقلابی~~ ~~بعضی موارد~~
در مورد دادگاه نظامی نمی توان هر حوضی را زد و دادگاه نظامی تنها دادگاهی
است که در قانون اساسی آمده (اصل ۱۷۲) و قانون عاری نمی تواند خلاف
قانون اساسی باشد قانون اساسی می نویسد جرم خاص نظامی و سطح
دادگان نیروی مسلح در دادگاه نظامی رسیدگی می شود و این اصل اطلاق دارد

و اگر بگوئیم نظم میان زیر ۱۸ سال به دارگاه اطفال برود

خلاف قانون اساسی است و روی قضای هم همین است
در قانون ا.ر.ک. جدید به جرم نظم میان کمتر از ۱۸ سال به در صلاحیت
سازمان قضایی است در همان دارگاههای نظامی رسیدگی شود با رعایت
مقررات مربوط به جرم اطفال و نو جوانان ولی نظامی زیر ۱۸ سال از
رسیدگی در دارگاه اطفال می شود می شود نباید محروم کنیم

رسیدگی در دارگاه اطفال می شود می شود نباید محروم کنیم
تشخیص صلاحیت مروج کفیری با خود مروج کفیری است (با همان دارگاه)
دارگاه باید ابتدا باید خوردن در مورد صلاحیتش تصمیم بگیرد خود مروج باید
صلاحیتش را تبیین کند که در اینجا ۲ استناد دارد ۱- دارستان کل کشور
۲- دارگاههای نظامی صلاحیت ویژه بر رسیدگی به جرم کارکنان و زرات
اطلاعات جرم را بعد سؤال و وظیفه و امنیتی و تشخیص اطلاق
با این ۲ مصداق با رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح یا معاونین وی
می باشد
و در همان وزارت اطلاعات اطلاعاتش را به رئیس سازمان قضایی نیروهای
مسلح داده می شود و تشخیص صلاحیت توسط نفر یا معاونین
وی صورت می پذیرد